



Asad.golchini@ukonline.co.uk

کارگران و فعالین سوسیالیست و کمونیست طبقه کارگر همه جا تلاش دارند در مقابل این صف، صف اتحاد و همبسته کارگران و تشکل هایشان را سازمان دهند و هر ساله در این روز که در بسیاری کشورها تعطیل رسمی است، به خیابانها بیایند و سرود انترناسیونال را سر دهند.

در ایران

تحت حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه، اول ماه مه قدم به قدم در نبرد و کشمکش موجودیتش را توانست حفظ کند و سرپا بایستد. از همان زمان صفحه ۲

در تدارک اول ماه مه ۸۴ زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران

اسد گلچینی

میتواند و قادر به زیور و کردن نظام های سرمایه داری حاکم است، نظامی که تحمیل شرایط بردگی و استثمارگرانه به انسان امروزی شالوده و اساس حاکمیتش است.

اول ماه مه روز اعلام هم سرنوشتی طبقه کارگر جهانی و روز نمایش قدرت و اتحاد طبقه کارگر و روز جشن جهانی کارگران است. بهمین دلیل است که سرمایه داران و دولتهایشان، همه کارگزارانی که از قبل دسترنج و استثمار کارگران در اختیار ماشین سرکوب و تحمیق و فریب سرمایه داری هستند همزمان زوزه های نحسشان را با همه نیرو و توان به صدا در میاورند و بکار میافتند تا این اتحاد و همبستگی ممکن نشود.

در اول ماه مه، روز جهانی کارگر، جنبش کارگری در همه کشورها علیه رژیم اینک که تا چه اندازه تحت سلطه جریانات ضد کارگری و دشمنان طبقه کارگر هستند، بیشترین اتحاد طبقاتی خود را به نمایش میگذارند. همبستگی جهانی کارگران در این روز بر علیه استثمار و کار مزدی به نمایش در میاید. جنبش کارگری در هر کشوری و به هر میزانی که سلطه سرمایه داران و دولتهایشان را به مصاف طلبیده باشد جامعه را از بربریت و بردگی مطلق و بی حقوقی احاد آن نجات داده است. طبقه کارگر، موجودیت عظیم و توانمندی است که بالقوه

چهار سال بعد از کنفرانس برلین



Azar.modaresi@gmail.com

اعلام حضور قدرتمند جنبش سرنگونی و حزب آن، حزب منصور حکمت، در راس این جنبش، کنفرانس برلین را به آنچه که شد تبدیل کرد. کنفرانس برلین پروژه حمایت غرب برهبری آلمان از رژیم اسلامی را به شکست کشاند و در منصور حکمت و کمونیسم کارگری را به وسط صحنه سیاسی و معادلات سیاسی ایران برد. ۴ سال پیش ما گفتیم این رژیم قابل اصلاح نیست، ما، چهار سال پیش در کنفرانس برلین، پرچم نه مردم به کلیت رژیم از هر دو جناح را بلند کردیم و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی را سر دادیم.

در کنفرانس برلین اجازه ندادیم برای چنین رژیمی مشروعیتی کسب کنند. دو خرداد داخل و خارج رژیم از گنجی گرفته تا اکثریت و بقیه طیف دگراندیش طرفدارش، علیه جنبش سرنگونی

"آنها که آنروز در کنفرانس برلین حقایق را گفتند، جای شایسته خود را در راس تحولات سیاسی تاریخساز ایران پیدا میکنند." منصور حکمت، "درسهای بدیهی برلین" چهار سال از کنفرانس برلین میگذرد. کنفرانس برلین به درست به یکی از مهمترین وقایع سیاسی ایران تبدیل شد. سه روزی که حکم شکست تلاشهای دو خرداد و همه طرفداران ایرانی و خارجی شان را با صدایی رسا به همه در خارج و داخل ایران اعلام کرد. کنفرانس برلین که با هدف نشان دادن جمهوری اسلامی قابل اصلاح و قابل تحمل، با هدف باز کردن در دیالوگ با یکی از سیاهترین رژیمهای قرن و آبرو خریدن برای آن برگزار شده بود، به صحنه اعتراض و محاکمه رژیم و سران آن تبدیل شد.

همان زمان ما گفتیم کنفرانس برلین صحنه اعلام حضور نیروی سوم، مردم و جنبش سرنگونی طلبی، در تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی است.

گامهای بعدی

در مورد کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

مصاحبه رادیو پرتو با رحمان حسین زاده



r_hoseinzadeh@yahoo.com

قسمت دوم

در اینمورد وجود دارند؟ مستبد مشابه جمهوری میتواند هم قهرمان بازی کودکانه و غیر واقعی جلو رانده نشود، و هم استتار سازش های مخرب زیر پوشش ملاحظات امنیتی. بالاس صحیح به زعم شما کجاست؟

رحمان حسین زاده: به نظر احتمال بروز هر دو نوع نگرانی مورد نظر شما هست. در هر مبارزه علنی و آنهم در گیر با یک رژیم

مصطفی اسد پور: این حرکت و طومار در داخل کشور و در دسترس مستقیم نیروهای امنیتی رژیم در جریان است. در موارد متعدد اختلاف نظرات روی محظوراتی که سرکوب و جنبه های امنیتی میتواند بوجود بیاورد، متمرکز است. از نظر شما کدام پرنسیبها

بیشتری یافته و فعالین و رهبران کارگران، قادر به حضور قدرتمند تر و همبسته تری در اول ماه مه شده اند. علیرغم اینکه طبقه کارگر از لحاظ معیشتی و امنیت شغلی در این چند ساله در شرایط شدت دشواری قرار داده شده است، اول ماه مه به همت این تاریخ و سنت کمونیستی و کارگری و حضور فعالین رادیکال و سوسیالیست با گرایشهای مختلف، همچنان و با قدرت بیشتری به نسبت سالهای قبل در میدان است و علیرغم ممنوعیت و تشکل یابی کارگری و اتحاد مستقل و طبقاتی کارگران، اول ماه مه شعله اش فروزان تر از پیش است.

در کنار این البته دولت و سرمایه داران، شوراهای اسلامی و خانه کارگزاران با همه امکانات و تریبون و پول و ماشین سرکوب و تهدید و تجمیعی که در اختیار داشته اند در صدد مانع تراشی، گمراه و منحرف کردن اذهان کارگران بوده و تلاش کرده اند همراه با نیروهای اطلاعاتی و امنیتی مانع حضور فعال رهبران و فعالین رادیکال شوند و تلاش کرده اند با ابراز نارضایتی موجود کارگران، اعتراضات آنها را در نمایشهای فرمایش و دولتی مهار کنند. خانه کارگر و شوراهای اسلامی همزاد رژیم اسلامی و ابزار تحمیل شرایط بردگی در میان کارگرانند که همچنان منفور، مشغول گمراه کردن کارگران و اذهان آنها از مطالبات واقعی شان هستند.

جنبش کارگری باز کرده بسیار مهم است چرا که خود به بستری برای تمرکز کشمکش کارگران و سرمایه داران و دولتشان تبدیل شده است. اول ماه مه و فعالیتهای قبل و بعد آن همیشه دسمایه اتحاد و هم سرنوشتی بیشتری بوده است. در غیاب تشکل های کارگری و در غیاب آزادی کارگران و رهبران و فعالین آن در استفاده از رادیو و تلویزیون و روزنامه و سایت و ... تدارک اول ماه مه و برگزاری مراسم های این روز، ابزاری برای حفظ و گسترش اتحاد کارگران و فعالین و رهبرانشان بوده است و به همین اعتبار برای ما کمونیستها جایگاهی مهم و حیاتی در ادامه تلاش برای اتحاد و همبسته کردن کارگران داشته است و با تمام امکانات و نیرو این روز را گرامی و عزیز میداریم و خواهان بزرگترین نمایش کارگران، بیشترین و عظیم ترین تظاهرات ها و برگزار کردن جشن بزرگ کارگران و همه انسانهای محروم و ستم دیده در جامعه در اول ماه مه روز جهانی کارگر هستیم.

اول ماه مه روز اتحاد کارگران است

اول ماه مه روز جشن کارگران است و باید تعطیل رسمی اعلام شود تا در مراسم ها و تجمعات خود شرکت کنند و به طرح خواست و مطالباتشان بپردازند.

سال ۸۴ همچنین برای همه کارگران و محرومان در جامعه سالی با مشقت بیشتر و هزینه معیشت کمتر و ناامنی روز افزون است. در حالی که دستمزد های مفت خوران و مزدوران سرمایه که مشغول دزدی، چپاول، سرکوب و تحمیل مردم در مجلس اسلامی و بقیه دم و دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی و مذهبی رژیم، کارگران از امنیت

خیمینی تحت عنوان چرندیاتی همچون خداهم کارگر است و هر روز روز کارگر است، اول ماه مه را میخواستند حذف کنند. کارگران و فعالین و رهبران سوسیالیست این جنبش این اجازه را ندادند و در شرایط بسیار دشواری حاکمیت خدا و امام و صاحبین جدید سرمایه را به مصاف طلبیدند. هیچ اندازه دستگیری و زندانی کردن و اعدام رهبران و فعالین کارگری و کمونیست و رادیکال، این اجازه را به آنها نداد که به حذف روز جهانی کارگر برسند و حتی ناچار شدند بطور نیم بندی تعطیلی این روز را برسمیت بشناسند، در همه این سالها و با وجود اینکه طبقه کارگر نه تنها از رهبران و فعالین بسیار زیادی محروم ماند و محروم از سازمان دادن تشکیلات و سازمانهای کارگری شد، اول ماه مه در اشکال کوچک و بزرگ سازمان داده شد و هر سال با تجمعات بیشتر و مراسم ها و قطعنامه های با شکوه و رادیکال تر سازمان داده شد. طبقه سرمایه دار و رژیم وحشی اسلامی برای منع کارگران در اتحاد و همبستگی اول ماه مه هر ساله قبل و بعد از این روز به جان فعالین و رهبران کارگری و سوسیالیست می افتاد تا جایی که حتی دست به اعدام جمال چراغ ویسی فعال و سخنران اول ماه مه در مراسمهای با شکوه کارگران در سنندج زد، و آخرین مورد آن دستگیری ۷ تن از فعالین اول ماه مه در سنقر بود که محاکمه آنها یکسال است در جریان است.

در کنار این البته دولت و سرمایه داران، شوراهای اسلامی و خانه کارگزاران با همه امکانات و تریبون و پول و ماشین سرکوب و تهدید و تجمیعی که در اختیار داشته اند در صدد مانع تراشی، گمراه و منحرف کردن اذهان کارگران بوده و تلاش کرده اند همراه با نیروهای اطلاعاتی و امنیتی مانع حضور فعال رهبران و فعالین رادیکال شوند و تلاش کرده اند با ابراز نارضایتی موجود کارگران، اعتراضات آنها را در نمایشهای فرمایش و دولتی مهار کنند. خانه کارگر و شوراهای اسلامی همزاد رژیم اسلامی و ابزار تحمیل شرایط بردگی در میان کارگرانند که همچنان منفور، مشغول گمراه کردن کارگران و اذهان آنها از مطالبات واقعی شان هستند.

جایگاه اول ماه مه ۸۴ در مصافهای طبقه کارگر

مکانی که اول ماه مه در مبارزه کارگران و فعالین سوسیالیست و رادیکال در

اول ماه مه در ایران در این چند سال اخیر و همزمان با رشد جنبش سرنوشتی رونق رژیم اسلامی،

که شرایط تحمیل شده به کارگران را باید عقب زد. همه، بر این متفق القولند که مزد بگیران جامعه به شرایط بردگی رانده میشوند. همه، راه و روشهای خود را برای کنار زدن این شرایط و مناسبات سرمایه پیشنهاد میکنند، اما روز اول ماه مه علیرغم همه نقطه نظرات و آرا متفاوت، میتواند به روز اتحاد طبقاتی کارگران تبدیل شود و همه فعالین و دست اندرکاران مبارزه کارگری میتوانند و باید به اول ماه مه به این دیده بنگرند و صف بزرگی از اتحاد بر علیه این شرایط ایجاد کنند. خیابانهای تهران، سنندج، سنقر و تبریز ... میتواند شاهد صف متحد و همبسته ای بر علیه سرمایه و افسار گسستگی اش باشد. صف مبارزه و اتحاد در اول ماه مه میتواند شامل کمونیستهای خواهان لغو کار مزدی و حکومت سوسیالیستی، همه سوسیالیستها با نظرات مختلف، همه سندیکالیستها و رفرمیستها و همه هواداران کارزار طبقاتی و همه کارگران و محرومان جامعه باشد که خواهان برابری و عدالت، آزادی و رهایی از سلطه اسلام و فریب و حماقت هستند. اول ماه مه میتواند به چنین روزی تبدیل شود. حکمتیست ها در فعالیتهای سازمانگرا، تبلیغی، بسیج نیرو، شعارنویسی و ... بیشترین تلاش را میکنند و برای تحقق بزرگترین تجمعات، اتحاد و همبستگی در میان کارگران، فعالین و رهبران در اول ماه مه ۸۴ میکوشند.

در تدارک مراسم های اول ماه مه بسیاری فعالیت های سازمانگرا، تبلیغی و بسیج کننده لازم است که

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

مردم صورت مسئله اینها جنبشی بودیم که است. عدم قدرتیگری چپ، مردم و کمونیسم، مشغله جدی ترشان است! این نقطه اشتراک پرو رژیم‌های چهار سال پیش با سرنگونی طلبان امروز است. تمام تلاش این جماعت دوحرداری سابق و سرنگونی طلب امروز، تقابل با تلاش و مبارزه مردم برای از سر راه برداشتن رژیم به نیرو و قدرت خودشان، تقابل با جنبشی است که میخواهد تمام مظاهر اسلام سیاسی را از صحنه جامعه پاک کند. تمام هنرشان تقابل با مردمی است که رفتن جمهوری اسلامی برایشان به معنی پاک کردن تمام دارودسته های مسلح اسلامی و سپاه پاسداران و برجیدن دم و دستگاہ سرکوب و اختناق و بیحقوقی شان است. چهار سال پیش ما نماینده برابری طلبی، آزادیخواهی

لیبرالیسم اسلامی است، دست شان رو شد. غالب است که همین این جماعت مخالف کنفرانس برلینی ها و طرفداران رژیم از جنس دوحرداری آن، امروز نه فقط فاصله خودشان را از رژیم و جناحهای آن نشان میدهند، نه فقط اعلام میکنند که این رژیم اصلاح پذیر نیست و مانیفست و بیانیه مینویسند، بلکه راههای "نجات" مردم را از دست این رژیم و "سرنگونی" آنرا نشان میدهند. راههایی به همان اندازه بیراهه که دو خرداد نشان داده بودند. امروز بخشی از دو خردادبهای دو آتش سرنگونی طلب شده اند، مثلا کنفرانس برلینی شده اند. غافل از اینکه در جنبش سرنگونی صندلی ها اشغال است و جایی برای این سرنگونی طلبی قلابی نیست. سرنگونی رژیم با کمترین دخالت

دو خردادبهای سابق یا کسانی که به قول منصور حکمت آمده بودند تا تصویر یک جمهوری اسلامی را به جهانیان بدهند که در آن فضا سرشار است از "تاما لبخند" و "چهچه پرندگان"، جایی که آخوندهای بی آزار با چهره های نورانی و با عباهای نازک حریر دست در دست هم، سبکبال در چمنزارها دنبال شاپرکها میدوند و کلکسیون تمیر جمع میکنند و اینترنت یاد میگیرند، دست شان توسط ما و سایر مخالفین رژیم رو شد! کسانی که آمده بودند اعلام کنند جمهوری اسلامی با و آزادی زن مغایرتی ندارد و میتوان زن بود و تحت حاکمیت رژیم اسلامی "آزاد" بود، کسانی که بودند اعلام کنند که اسلام را میشود لیبرالیزه کرد و خاتمی رهبر این

از پنجه طلبانه مردم و علیه ما، صف کشیدند و تف و سیما فرستادند. از صدا و سیما تا نوری زاده و هر پاسدار ژورنالیستی علیه کمونیسم کارگری و منصور حکمت به جنب و جوش افتادند. بزرگترین اتهام سیاسی از آن روز به بعد، "کنفرانس برلینی بودن" و "کمونیست کارگری" بودن و ارتباط با ما شد. ما همه طرفداران رژیم، خامنه ای و خاتمی را کنار هم گذاشتیم. این اپوزیسیون طرفدار رژیم را علیه ما خشمگین و بسیج کرد. برای مردمی که برای سرنگونی این رژیم به میدان آمده بودند کنفرانس برلینی بودن نشانه انتخابی بود. انتخاب چپ و کمونیسم و شخصیت های چپ و کمونیست در راس آن!

امروز بعد از گذشت چهار سال از این واقعه به صحنه سیاست ایران نگاه کنید!

با و مکانی که هستند، با پرچم رهایی از استثمار و سرمایه داری و برای برابری و سوسیالیسم در تدارک روز جهانی کارگر هستند و مشغول به بسیج و سازمان دادن بیشترین نیرو و اتحاد همه انسانها و همه اقشار محروم جامعه بر علیه این شرایط هستند. معلم و پرستار و همه خانواده های آنها و جوانان و دانشجویان، همه جمعها، کانونها و همه فعالین عرصه های آزادیخواهی و برابری زنان و حقوق کودکان، در صف بزرگ و بهم پیوسته کارگران و فعالین آنها و در هر مراسم که خود به این مناسبت برگزار میکنند میتوانند صدا و فریاد اعتراض خود و طبقه کارگر را رسا تر کنند.

نسل جوان شاهد این شرایط است و فرزندان طبقه کارگر و اقشار محروم در جامعه بعد از تحصیل روانه بازار بیکاری میشوند و بسیاری به دست پلید فحشا و اعتیاد سپرده میشوند. جوانان آزادیخواه، رادیکال و کمونیست به این واقف هستند و امسال حضور بیش از پیش در کنار طبقه کارگر و در مراسم های مستقل آنها و یا در هر مناسبتی در برگزاری اول ماه مه بطور ویژه ای لازم است مورد توجه باشد و این میتواند در اتحاد و همبستگی کارگران و فعالین آنها بسیار موثر واقع شود. از این فرصت باید استفاده کرد و به شرایط بردگی حاکم بر کارگران و جامعه بیشترین و رادیکالترین اعتراض را سازمان داد. روز اول ماه مه ۸۴. حکمتیستها در هر

قبیل فراخوان ها را با تمام نیرو و امکانات در جامعه تبلیغ کرد.

کارگران، جوانان، زنان، معلمان، خانواده های کارگری!

در تدارک مراسم ها و تجمعات مستقل در اول ماه مه شرکت کنید و صفی متحد و همبسته بر علیه سرمایه ایجاد کنید. این روز باید تعطیل اعلام شود تا همه محرومان جامعه همراه با کارگران بتوانند این روز جهانی را گرمی بدارند و به شرایط وحشیانه ای که سرمایه داران و دولت اسلامی سرمایه تحمیل کرده اند اعتراض کنند.

این شرایط بردگی مطلق در قرن ۲۱ بر کارگران را همه شما شاهد هستید، خانواده های کارگران در شرایطی دهشتناک با آن دست و پنجه نرم میکنند،

های اعتراضی داشته باشند. اکنون که مساله تعیین دستمزدها داغ است و حتی مزدوران خانه کارگری رژیم هم بحث از به خیابان آمدن کارگران دارند فرصتی است تا همه فعالین رادیکال و همه تشکل ها و کانون و کمیته های موجود فراخوان به تجمع های کارگری مستقل از مزدوران خانه کارگر بدهند و هر اندازه که زورشان دستمزدشان را از حلقوم سرمایه داران و دولت اسلامیشان در آورند. و از جمله فرصتی است که رهبران شناخته شده کارگران و نماینده های کارگران و بویژه ۷ فعال دستگیر شده در اول ماه مه ارسال که در ایران و در سطح بین المللی هم شناخته شده هستند فراخوان به تجمع کارگران در تهران بدهند و این

بسیاری از فعالین و پیش کسوتان در جنبش کارگری اینها را میدانند و تا جایی که بتوانند آنها را بکار میبندند. از جمله فعالیتهایی که این روزها میتوانند به فعالیتهای ما برای اول ماه مه شتاب گسترده ای بدهد اعلام همبستگی ها، اعلام حمایتها و اتحادها و تعیین روزهایی برای تجمع و اعتراض به شرایط بردگی و تحمیلی به طبقه کارگر است. فرصت مناسبی است که کارگران کارخانه ها، کارگاه و شرکتها و ادارات مختلف، بر سر مساله تعیین دستمزد در سال ۸۴ دخالت موثر و تعیین کننده ای داشته باشند و مجامع عمومی خود را بر پا کنند و تصمیم بگیرند که فعالانه و در هماهنگی با مراکز دیگری که به آنها دسترسی دارند، تجمع

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

از صفحه ۱

میتوان تاکید کرد: اولاً قدرت و نیروی اجتماعی که این حرکت به آن متکی است مهم است. فعالین و رهبران کارگری که پشت سر خود قدرت و نیروی متشکل کارگران را داشته باشند، با اعتماد بنفس کارشان را پیش ببرند و امکان سازشهای غیر مجاز را به شدت محدود میکنند و به نظر همان اعتماد بنفس امکان رفتار کودکانه و غیر اجتماعی را هم محدود و یا خنثی میکند. با اتکا به حمایت اجتماعی مکاتبه، مذاکره احتمالی و هم موثر واقع میشود. دوما تشخیص درست تناسب قوا و شرایط مساعد و نامساعد و اتخاذ سیاست متناسب و درست در قبال این موقعیتهای تعیین کننده است. سوما جهتگیری درست و رادیکال نمایندگان و رابطه مستقیم و متعهدانه ای که با کارگران داشته باشند و پاسخگو باشند، مهم است. چهارم این واقعیت را باید دید که در پروژه ها و مبارزات اجتماعی و علنی، گرایشات سیاسی حضور پیدا میکنند و ابرادی هم ندارد (کسانی که میگویند مستقل از گرایشات سیاسی مختلف بود یا خامند یا دروغ بزرگ تحویل کارگران میدهند). اما نکته اینست باید مواظب بود که منافع واقعی امروز و فردای کارگران تحت فشار کشمکشهای سکتی و غیر اجتماعی و فرقه ای لطمه نخورد. بخشی از ماجراجویی و به قول شما قهرمان بازی کودکانه اینجا بروز میکند. جوانب ظریف تر کار را رهبران و فعالین در جریان کار میتوانند تضمین کنند.

مصطفی اسد پور: مخاطب طومار دولت است. این یکی از نقاط جنجال

برانگیز ماجرا است. جمهوری اسلامی ضد کارگر است. با همه چیز و از جمله تشکیلات کارگری مستقل مخالف است. پر واضح است که نویسندگان طومار اینرا میدانند. طرح مطالبات رو به دولت کار غلطی است؟

رحمان حسین زاده: با مطالعه ای که تا این لحظه از این حرکت دارم به نظر کار غلطی نبوده است. بر خلاف بعضی انتقادات که از این زاویه مطرح شده تا این لحظه من این اقدام را نشانه توهمی نمی بینم. قبلا هم اشاره کردم در یک شرایط معین حرکتی برای ایجاد تشکل کارگری شروع شده، طبیعی است که دولت را باید مخاطب قرار داد، همانطور که نهادهای زنان و کودکان و ... چنین کرده اند. باید دولت و نهادهای مربوطه اش را زیر فشار گذاشت که با خواست کارگران موافقت کنند. طبعاً در ادامه نباید سیاست انتظار را در پیش گرفت، بلکه همزمان باید کار خود را پیش برد. نیرو جمع کرد و مسیر واقعی را طی کرد. در این مسیر اگر و مگرها و تبصره و قید و شرطهای دولت را جواب داد و خنثی کرد. اینکه در پروسه کار و بعداً معلوم شد گرایشی یا کسانى از سر توهم به دولت مراجعه کرده و سوراخ دعا را گم کرده اند، همانوقت باید جوابشان را داد.

مصطفی اسد پور: ما از یک طرف حجم وسیع اعتراضات کارگری را داریم که بطرز آشکاری از عدم تشکل رنج میبرد، و از طرف دیگر این حرکت در جریان است که حق تشکل را از مسیری دیگر تعقیب میکند تا کارگران در اعتراضاتشان قوی شوند. این گسست بنظر

شما قابل هضم هست؟ آیا این راه درست کردن تشکل کارگری هست؟

رحمان حسین زاده: من تاکید کردم که این حرکت لازمست خود را به اعتراضات و مبارزات جاری کارگری متکی کند. این کار اراده گرایانه ممکن نیست. قاعدتاً فعالین کارگری این حرکت و کارگرانی که طومار را امضا کرده اند، خود در محیط کارگری و در مبارزات کارگری درگیرند. اینها پل ارتباطی این حرکت و مبارزات کارگریند. از طرف دیگر این حرکت لازمست پرچم مطالبه افزایش دستمزد ها، علیه قراردادهای موقت، و ... را به دست بگیرد. در سطح کارخانه و محل کارگری مبتکر سازمانیابی باشد. به معنای دیگر حرکت از بالا برای ایجاد تشکل کارگری با حرکت از پایین کارگران منطبق و هماهنگ و در هم آمیخته شود. اگر چنین درکی بر این فعالیت ناظر باشد، که امیدوارم باشد. قاعدتاً نباید گسستی در کار باشد. اما اگر فقط اقدام از بالا مورد نظر باشد و سیاست انتظار در پیش گرفته شود. آنوقت چنین گسستی بوجود خواهد آمد و لطمه خواهد زد.

مصطفی اسد پور: در این حرکت احتمالاً گرایشات مختلف حضور دارند. به تدریج آلترناتیوهای مختلف از جمله در عرصه نوع تشکل مطرح میشود. مسئله سر برآوردن سندیکا و سندیکالیسم مطرح است. با توجه به اینکه شما بر مجمع عمومی کارگری و شورا تاکید میکنید در آن صورت برخورد شما چگونه خواهد بود؟

رحمان حسین زاده: تصور من اینست هنوز به شکل

واضحی این گرایشات خود را نشان نداده اند. باید این را طبیعی دانست که در ادامه چنین بشود و برخورد درست و مسئولانه در برخورد به این پدیده مهم است. در اینجا به چند نکته باید توجه کرد. اولاً: اینکه ترجیح ما مجمع عمومی کارگری و تشکل شورایی است، مانع این نیست که در حرکت عمومی کارگری برای ایجاد تشکل کارگری حضور موثر نداشت. در شرایط امروز ایران نفس متشکل شدن کارگران در اشکال مختلف و قابل دفاع کارگری و مستقل از دولت خود پیشرفت مهمی محسوب میشود. دوما خود ما در بعضی رشته های پراکنده کارگری سازمانده سندیکا ی کارگری خواهیم بود. سوما به طور مشخص به سندیکایی که ایجاد میشود نگاه میکنیم و چنانکه پراتیک و اقدامات آن را در جهت منافع کارگران بدانیم با تمام توان از آن حمایت میکنیم. نمونه سندیکای کارگران خیاب سقز که در سالهای گذشته مورد حمایت ما بوده است. و نکته مهم اینکه بین سندیکای معین و سندیکالیسم باید تفاوت گذاشت. سندیکالیسم و یونیونیسم یک ترند جهانی با سابقه طولانی و اساساً متکی به افق سوسیال دموکراسی و رفرمیستی در جنبش کارگری جهانی است. نقش آن عمدتاً تعدیل کردن رادیکالیسم کارگران و عمل کردن به عنوان ابزار دست جناح چپ بورژوازی در درون جنبش کارگریند. واضح است سندیکالیسم و افق و سیاست آن نمیتواند مورد تایید جریان رادیکال کارگری قرار بگیرد. و تازه به دلایل متعددی سندیکالیسم در جنبش کارگری ایران شانس

زیادی ندارد. اما این به معنای آن نیست که هر تک سندیکا در اوضاع امروز ایران همین نقش را خواهد داشت. ما به سهم خود میکوشیم سندیکایی هم که ایجاد میشود، به اراده مستقیم کارگران، به مجمع عمومی کارگران متشکل متکی شود. سیاست رادیکال بر کارکرد نیست که در حرکت ابزار تامین منافع کارگران شود.

مصطفی اسد پور: شما فکر میکنید همین حرکت حول طومار چگونه میتواند راه خود را به جلو باز کند؟

رحمان حسین زاده: قبلاً گفتیم این حرکت از سطح طومار لازمست عبور کند و خود را به مبارزه واقعی متکی کند. شبکه وسیع کارگری که حول طومار بوجود آمده لازمست در مراکز کارگری و هر جا که حضور دارند، پرچم مبارزه برای افزایش دستمزد و اعتراض علیه قراردادهای موقت و دیگر مطالبات فوری در همان محل کار را به دست بگیرند. مبتکر سازماندهی مجمع عمومی کارگری در همان محیط کارگری باشند. مبتکر هماهنگ کردن مبارزات جاری در بخشهای مختلف باشند. اول ماه مه در پیش است و فرصت مناسبی است که با هماهنگی لازم و ضروری اجتماعات بزرگ کارگری سازمان داده شود. این حرکت در سطح بین المللی هم باید نمایندگی شود.

با یوزش از رحمان حسین زاده و خوانندگان در انتشار بخش اول این گفتگو اشکالاتی وجود داشت که در این شماره رفع شده است.

گمونیست

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!